

گردهمایی بزرگ احزاب و جنبشها در مسکو

پس از آنکه شرکت کنندگان ریاست جلسه را به میخائیل گارباچف سپردند، ۶۴ سخنران رشته سخن را بدست گرفتند. بعلاوه کمبود وقت متن ۵۶ سخنرانی دیگر برای ضبط در صورت جلسه و انتشار تسلیم نگذران شد. در زیر گوشه هایی از برخی از این سخنرانی ها به آگاهی خوانندگان "نامه مردم" می رسد:

آتوس فاوا (دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست آرژانتین):

- برای آنکه جهان را دگرگون سازیم، باید آنرا نجات دهیم و برای آنکه جهان را نجات دهیم، باید آنرا دگرگون سازیم.

- نخستین وظیفه ما در منطقه آنست، که صلح را نجات بقیه در ص ۶

در چارچوب جشنهای ۷۰ سالگی اکتبر بزرگ، در روزهای ۵-۴ نوامبر ۱۹۸۷ کنگرانی از احزاب کمونیستی و کارگری، سوسیالیست، سوسیال - دمکرات و ملی - دمکرات و جنبش های گوناگون در مسکو برگزار شد. در این گردهمایی ۱۷۸ حزب و جنبش، از جمله حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از بیش از ۱۰۰ کشور شرکت کردند.

میخائیل گارباچف در خوش آمد خود یادآور شد، که در این گردهمایی دگرگونی های ژرفی بازتاب می یابد، که اکنون در جهان صورت می گیرد. او از میهمانان خارجی بخاطر شرکتشان در جشنهای اکتبر سپاسگزاری و حضور آنها را بعنوان "افتخاری بزرگ" برای حزب کمونیست اتحاد شوروی ارزیابی کرد.



شماره ۱۸۰ دوره هشتم
سال چهارم سه شنبه ۱۳۶۶/۸/۱۹
بها ۲۰ ریال

بدرود رفیق نامور



با اندوهی ژرف به آگاهی رفقای حزبی، دوستان حزب و همه نیروهای ملی و مترقی ایران میسرانیم که قلب رفیق ارجمند ما رحیم نامور - عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - روزنامه نگار و مترجم و نویسنده میهن دوست و انترناسیونالیست پرشور، روز سوم آبانماه ۱۳۶۶ (۲۵ اکتبر ۱۹۸۷)، بر اثر سکته قلبی ناگهان از تپش باز ایستاد.

او چند سال پیش در ایران یکبار سکته قلبی ناقص کرده و مجدداً بهبود نسبی یافته بود. زنده یاد رفیق نامور در اردیبهشت سال ۱۳۸۷ در شهر همدان زاده شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدرسه آمریکائی زادگاه خود به پایان رساند. بعلاوه تحصیل در مدرسه آمریکائی همدان رفیق نامور زبان انگلیسی را خوب می دانست. بخش عمده آثار ادبی باقیمانده از او ترجمه کتابهای مشهوری مانند "زنگها برای که می زند" از ارست همینگوی، "ده روزی که دنیا را لرزاند" از جان رید، "راه آزادی" از هوارد فاست و بقیه در ص ۲

در صفحات بعد

نامه رفیق نامور به رفیق خاوری
در ص ۲

دگرگونسازی - ادامه راه اکتبر

روز دوشنبه ۲ نوامبر ۱۹۸۷ جشنهای انقلاب اکتبر در اتحاد شوروی با برگزاری اجلاس مشترک کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، شورای عالی جمهوری شوروی فدراتیو سوسیالیستی روسیه آغاز شد. در این اجلاس، که در "کاخ کنگره ها" ی کرملین و با شرکت ۶۰۰ تن، از جمله میهمانانی از ۱۱۹ کشور جهان (و در میان آنها هیئت نمایندگی حزب توده ایران، بریاست رفیق علی خاوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب و هیئت نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بریاست رفیق فرخ نگهدار، دبیر اول کمیته مرکزی سازمان) برگزار گشت، رفیق گارباچف سخنرانی بسیار مهمی ایراد کرد. در زیر گوشه هایی از این سخنرانی از نظر خوانندگان "نامه مردم" می گذرد:

- متن کامل این سخنرانی بزودی از طرف حزب توده ایران انتشار خواهد یافت.

رفیق گارباچف در سخنرانی خود نخست به اهمیت تاریخی انقلاب اکتبر پرداخت و آن را "انقلاب مردم برای مردم، بخاطر انسان و آزادی و تکامل او" خواند. وی بزرگداشت اکتبر را "لحظه غرور"، "لحظه تجلیل"، "لحظه تامل" و "لحظه آینده نگری" توصیف کرد. بگفته او، "انقلاب اکتبر با همه تضاد و تنوع ره پیمائی آن بسوی تمدن، فرآورده قانونمند آرمانها و پیکارهای صدها ساله زحمتکشان در راه آزادی و صلح، برای عدالت اجتماعی و علیه ستم طبقاتی، ملی و فرهنگی بود".

رفیق گارباچف درباره اینکه چگونه حتی و بویژه امروز می توان از تجربه اکتبر درس آموخت، گفت:

"در دوران ما پاسخ لنین به مسئله ای که زندگی، واقعیت انقلابی، مطرح می سازد، از اهمیت میرم و فوق العاده برخوردار است - مسئله رابطه میان "مدل" تئوریک راه سوسیالیسم و واقعیت ساختن سوسیالیسم. مارکسیسم - لنینیسم بعنوان آموزشی خلاق، مجموعه ای از دستورالعمل ها و مقررات خشک نیست. تئوری بقیه در ص ۴

ادعاهای بیمایه

در نماز جمعه تهران، یکم آبان ماه، رفسنجانی با اشاره به لشکرکشی ایالات متحده آمریکا به خلیج فارس ادعا کرد: "امروز ضدامپریالیست ترین کشور جهان ایران است و امروزه انقلابیون جهان ایران را بعنوان پایگاه عمده ضدامپریالیستی جهان می بینند".

کزافه گوئی هایی از قماش سخنان بیمایه رفسنجانی در ج.ا. امری معمولی است. مثلاً خامنه ای نیز در ۲۸ مهرماه با تکیه به حضور نیروهای آمریکائی ادعا کرد که در شرایط "حساس و اختصاصی" کنونی کشور "هم اکنون بقیه در ص ۷

پیام شاد باش کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای ارجمند!

چهل و ششمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را به شاد از طریق شما به همه اعضا و هواداران حزب توده ایران تبریک گفته و از صمیم قلب برای شاد و پیکار انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه صلح، دمکراسی، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم پیروزی های روزافزون آرزوی کنیم. بقیه در ص ۲

بدرود رفیق ...

"بشردوستان زنده پوش! روبروت ترسال است؛ پس از پایان تحصیلات متوسطه رفیق فقیه نامور در حدود سال ۱۳۰۸ به تهران میرود و بعلمت شوقی که در نویسندگی دارد در روزنامه "ایران" آغاز به کار می‌کند. در این روزنامه او کتابی را که درباره حقوق زنان ترجمه کرده بود به چاپ میرساند و بزودی به هئیت تحریریه "شغی سرخ" می‌پیوندد و برای این روزنامه نخست کتاب "اختناق هندوستان" نوشته یک پروفیسور تاریخ از آمریکا را ترجمه می‌کند و سپس به ترجمه "اسناد محرمانه بریتانیا و منشا جنگ جهانی اول" می‌پردازد. تا سال ۱۳۲۰ چندین کتاب دیگر نیز که به گفته خودش با تمیاسهای کنونی ارزشی ندارد ترجمه می‌کند.

پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه، رفیق نامور که میهن پرستی پرشور است ولی هنوز با مارکسیسم آشنائی ندارد یکی از موسسان حزب "میهن پرستان" می‌شود و روزنامه "شهباز" را که بتازگی به گرفتن امتیاز آن موفق گردیده بود، بعنوان ارگان مرکزی در اختیار آن حزب می‌گذارد. فعالیت گسترده رفیق نامور بمثابة روزنامه نگاری پرکار از همین سالها آغاز می‌شود.

تشکیل حزب توده ایران و مبارزات وسیع اقتصادی و اجتماعی حزب بسود کارگران و دهقانان بلافاصله توجه رفیق نامور را بخود جلب می‌کند و هنوز زمان درازی نگذشته، او در اواخر سال ۱۳۲۲ جای واقعی خود را در صفوف حزب توده ایران می‌یابد.

رفیق نامور در تشکیل "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" در سالهای مبارزه برای ملی کردن صنایع نفت نقش فعالی داشت. او ابتدا دبیر و سپس نایب رئیس این انجمن بود و "شهباز"، روزنامه‌ای که امتیازش را داشت، بمثابة ارگان این جبهه منتشر می‌شد. فریاد نوجوانان روزنامه فروش "شهباز" ضد استعمار! هنوز در گوش نسل‌های آن دوران طنین انداز است.

زنده یاد رحیم نامور چه در سالهای پیش از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و چه پس از آن، چه در دوران زندگی مخفی در داخل کشور و چه در سالهای مهاجرت و سپس بازگشت به میهن پس از انقلاب شکوهمند مردمی بهمین همیشه یکی از کارکنان فعال در ارگانهای تبلیغاتی و نشریات حزب بود. مقالات پرشمار او را بویژه در صفحات "دنیا" ارگان تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران می‌توان یافت.

رفیق نامور یکی از نمایندگان ایران در شورای جهانی صلح بود و در بسیاری نشست‌ها و گنگره‌های آن شرکت جسته است. برخی از تالیفات رفیق نامور عبارتند از: یادنامه شهیدان، انقلاب آمریکا (که دو جلد آن چاپ شده است)، انقلاب مشروطیت و رمان سایه‌های گذشته.

پیام شاد باش کمیته مرکزی ...

حزب توده ایران طی نزدیک به نیم قرن راهی پریشیب و فراز را پیموده است. حزب علیرغم توطئه‌های ددمنشانه امپریالیسم و ارتجاع و تحمیل قربانیهای بی‌شمار همواره پرچم مبارزه خویش را در امتزاز نگهداشته و به دفاع از طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش میهن ما ایستاده است.

حزب توده ایران طی سالهای عمر خود، در اشاعه و ترویج فرهنگ مارکسیستی - لنینیستی در میهن مانقش بسیار مهمی برعهده داشته، از حقانیت مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری دفاع کرده و علیه امپریالیسم و ارتجاع، در راه بهروزی مردم ایران به مبارزه پرداخته است.

رفقای گرامی!

در حالی که رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی بدلیل نبود کردن انقلاب و سرکوب خواستهای توده‌های مردم هر چه بیشتر در میان توده‌ها منفرد می‌شود، می‌کوشد تا با تبهکاری علیه حزب توده ایران و دیگر سازمانهای انقلابی مانع از نقش آگاهانه و سازمانگرانه مادر میان کارگران و دیگر زحمتکشان کشور گردد.

بیورش وحشیانه ساواک خمینی به سازمان ما طی سال گذشته نیز به این دلیل و با خیال خام نامودی سازمان صورت گرفت. اما هیچ چیز قادر نیست در عزم استوار ما به ادامه نبرد ناپیروزی قطعی خللی ایجاد کند. رژیم هرگز قادر نیست در مقابل گسترش رزم انقلابی ما مانع بوجود آورد. حقانیت مبارزه انقلابی حزب شما و سازمان ما

در دوران حکومت شاه رفیق نامور چندین بار بعلمت فعالیت های سیاسی و مطبوعاتی به زندان افکنده شد.

پس از هجوم خائنان ارتجاع مذهبی بر حزب توده ایران، رفیق رحیم نامور که دوران نقاهت پس از سکتة ناقص را می‌گذراند، با تحمل دشواریهای فراوانی از نومجبور به مهاجرت شد. ولی حتی در این سالهای پیری و بیماری نیز یک لحظه درفش پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی را بر زمین نگذاشت و تا آنجا که در توان داشت کوشید با نوشتن مقالات روشنگرانه سهم خود را در این مبارزه ادا کند.

کسانیکه زنده یاد رحیم نامور را از نزدیک می‌شناختند او را همچون رفیقیتی ارجمند، پدري دلسوز برای همه اعضای جوان حزب و شخصیتی مورد احترام دوست داشتند.

مردم سپاسگزار ایران این فرزند شایسته خود را که از نخستین سالهای نوجوانی تا واپسین روزهای زندگی یک لحظه نیز از پیکار بخاطر بهروزی زحمتکشان ایران و آزادی پیشرفت و استقلال کشور باز نایستاد هیچگاه فراموش نخواهد کرد.

ما ضایعه بزرگ درگذشت رفیق رحیم نامور را به بازماندگان او و همه اعضا و هواداران حزب صمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

ارتجاع و امپریالیسم رادر دستیابی به اهداف ضد مردمی خود ناکام ساخته و خواهد ساخت.
رفقای ارجمند!

جمهوری اسلامی با ادامه جنگ خانمان برانداز، کشتار وحشیانه صدها هزار نفر از مردم میهن ما در جبهه‌های بی‌سرنجام و تخریب امکانات اقتصادی کشور، میهن ما را به نابودی کشانده است. پافشاری رژیم بر ادامه جنگ ارتجاعی و تشنج آفرینی در خلیج فارس سبب شده است که امپریالیستها بطور بی سابقه‌ای نیروهای خود را در خلیج مستقر سازند و توطئه علیه کشور ما و دیگر کشورهای منطقه راه اوج رسانند.

جمهوری اسلامی با ادامه جنگ و سرکوب خشن آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم، حمایت همه جانبه از مشتئ سرمایه‌دار و مالک و سیاستهای ضد ملی خویش در تقابل با خلق ایران و مانع عمده هر گونه تحول انقلابی در میهن ماست. راه رهایی مردم ایران از وضع اسفناک کنونی مبارزه متحد همه نیروهای صلح دوست و انقلابی و دمکراتیک در راه براندازی رژیم ولایت فقیه است. اتحاد و یگانگی همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک ایران گامی مهم و ضروری در این راه است. ما بیقین داریم که تلاش پیگیر برای بسط اتحاد عمل و همکاریهای رفیقانه و برای تامین یگانگی فکری و سیاسی در برخورد با مسائلی که فرا راه جنبش ما قرار می‌گیرد، بین سازمان ما و حزب شما، برای اتحاد و همکاری همه نیروهای مترقی کشور در جهت صلح، آزادی و براندازی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به خلق، پاسخی در خور به نیاز مبرم جنبش انقلابی کشور است.

ما از همه نیروهای ترقیخواه ایران می‌خواهیم که به این ضرورت حیاتی پاسخ گویند و مسئولیت خود را در قبال جنبش انقلابی میهن انجام دهند.

رفقای عزیز!

برای سازمان ما اینکه حزب برادر، حزب توده ایران، بر دشواریها و ضربات سهمگین رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی فائق می‌آید و برای انجام مسئولیت‌های خویش آماده‌تر می‌شود، مسرت بخش است. نیاز جنبش انقلابی میهن ماست که صدای حق طلبانه کمونیستهای ایران رساتر شود و همه پیروان سوسیالیسم علمی، همه کمونیستهای ایران در راه اهداف انقلابی و ترقیخواهانه خویش در رزم انقلابی علیه استعمار و ستمگری و محرومیت، متحد، یکپارچه و پرتوان پیش روند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بار دیگر چهل و ششمین سال بنیاتگذاری حزب توده ایران را به کمیته مرکزی و همه اعضا و هواداران حزب شامصمیمانه تبریک می‌گوید و برای حزب برادر پیروزی‌های بزرگ در مبارزه انقلابی پیش رو آرزوی کند.

با درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مهرماه ۱۳۶۶

پیکار مستمر در راه وحدت عمل کلیه مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی یک وظیفه انقلابی است!

است، امری است به زیان حزب، و اگر این تلاش صورت چاپ و پخش وسیع و جارزدن مسائل درست و نادرست در بین دوست و دشمن را به خود بگیرد، طبعاً در پشت سر این روش نادرست نیت ناسالمی عمل می‌کند که آن را باید بطور قطع محکوم شناخت.

اما آنچه با شخص من ارتباط می‌یابد، علیرغم هر گونه اختلاف نظری و اختلاف سلیقه‌ای که می‌تواند بین اعضای یک حزب مارکسیست - لنینیستی بر مسائل تاکتیکی وجود داشته باشد، من خود را، شخصیت سیاسی خود را پرورده، دامن حزب توده، ایران می‌دانم - حزبی که از زرفای نیازمندیهای مادی و معنوی توده‌های زحمتکش ایران مایه گرفته، و صادق‌ترین مدافع منافع این توده‌هاست.

من تاریخ پیدایش و شکل و زوال ناکزیر احزاب و گروههای زیادی را با پشتوانه، پیول، قدرت سر نیزه، دولتی و سطوت و شکوه سلطنتی راجه در سالهای بیست و چاه در سالهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد مورد بررسی قرار داده‌ام که امروز اثری از آنها بر جای نیست، و یگانه حزبی را که شایسته داشتن این عنوان یافته‌ام حزب توده، ایران بوده است - حزبی بنیاد یافته بر اساس تعالیم عالی و انسانی مارکسیسم - لنینیسم و هرچند از انترناسیونالیسم پرولتاری - حزبی الهام گیرنده از تعالیم آموزنده، مارکس، انگلس، لنین که همچون مشعل فروزانی راه بشریت مترقی را در گذار آن از شیب و فرازهای تاریخ روشن می‌کند - حزبی که در طول حیات پر درد و رنج خود بارها مورد یورش وحشیانه و خونخوارانه، ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی واقع شده، بارها طعمه آتش بیداد جباران و ستم گران شده، سوخته، خاکستر گردیده ولی بلافاصله مانند ققنوس افسانه‌ای بال و پر گشوده به پرواز در آمده است. سر بقا و دوام گسست ناپذیر آن نیز همانا پیوند سرشتی و ارگانیک آن با توده‌های زحمتکش، سازندگان واقعی تاریخ بوده است.

بقیه در ص ۷

رفیق فقید رحیم نامور، اوایل مهر ماه تصادفاً مطلع شد که چند نفر از وزندگان سیاسی در غرب نامه‌ای را که گویا او به هیئت سیاسی نوشته و در آن پس از نفی کنفرانس ملی حزب، از کمیته مرکزی استعفا کرده است در دست دارند و بگونه‌ای مودبیانه، بعنوان یک "سند داخلی" از آن برای نفی حزب استفاده می‌کنند.

رفیق نامور از شنیدن خبر این کارناشایست فوق العاده خشمگین و نگران شد و درست ۱۹ روز پیش از مرگ ناگهانی خود بر اثر تکرار سکنه قلبی، طی نامه‌ای خطاب به رفیق خاوری این زشتکاریهای وزندگان سیاسی و رفیقان نیمه راه را بشدت محکوم کرد.

متأسفانه این نامه هنگامی به "نامه مردم" رسید که چند روز پیش از آن رفیق ارجمند رحیم نامور برای همیشه مارا ترک کرده بود.

بدون شک هیجان‌های شدید ناشی از عمل زشت وزندگان سیاسی که نام نیک پیشکسوتان جنبش را با انتشار نامه‌های خصوصی و یا جعل نامه از قول ایشان آلوده می‌کنند، در فشار وارد آوردن بر قلب بیمارزنده یاد نامور بی تأثیر نبوده است.

این مسئله‌ای مربوط به وجدان انسانی است که بعضی‌ها دیگر آشکارا از آن بهره‌ای ندارند. بگذریم نام "رفیق از دست رفته نامور" را که دیگر باید آنرا وصیت نامه او دانست با هم بخوانیم:

۱۶ مهر ماه ۶۵

رفیق ارجمند خاوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران!

نامه رفیق نامور به رفیق خاوری

اخیرا شایعاتی درباره نشر نامه‌ای از من که گویا ضمن آن موجودیت و هویت حزب زیر علامت سؤال رفته است در برخی محافل بر سر زبانها افتاده و تا آنجا که شنیده‌ام گروه بابک امیر خسروی مرکز پخش این شایعه بوده و کوشیده اند از این راه به سود مقاصد ضد حزبی خود بهره برداری کنند. لذا بدین وسیله با صراحت و قاطعیت اعلام می‌دارم که هر گونه تلاش مذبحخانه‌ای را با استناد به هر گونه نوشته ادعائی از طرف من که به قصد مخدوش کردن سیمای تابناک حزب توده، ایران به عمل آید بشدت محکوم می‌کنم.

جهت مخالف این ادعای بیبنم. زیرا دره بین گذاشتن این و با آن اشتباه لحظه‌ای که در مواردی هم اجتناب ناپذیر بوده است، داستان سرائی و قصه پردازی در مورد آنها، بردن سیاست چهارساله حزب، و بدتر از آن، سیاست و خط مشی چهل و چند ساله حزب از آغاز تا پایان به زیر علامت سؤال و اشاعه دادن آن از طریق چاپ و انتشار نشریه‌های کوتاه و بلند، با هدف سالم سازی حزب سازگار است، و من در پشت سر این سنخ فعالیت جز تلاشی با هدف ویران گری نمی‌بینم.

بابک امیر خسروی مدت ها قبل با ارسال جزوه‌های خود و نامه‌هایی خطاب به من تلاش زیادی مبذول داشت که حتی یک جمله تأیید آمیز نسبت به روش نادرست خود از من بشنود. من تنها یک بار در تاریخ سوم آذر ۶۴ پاسخی بدو نوشته و اعلام داشتم علیرغم ادعای پرطمراق او برای هر چه بیشتر سالم سازی حزب، من هدف فعالیت ایشان را در

تلاش بی شائبه برای هر چه بیشتر سالم سازی حزب تنها و تنها یک راه دارد - بحث و انتقاد و مبارزه سالم درون حزبی، نه ردیف کردن مطالب درست و نادرست، مخلوط کردن آنها، و جارزدن آنها در میان دوست و دشمن. هر گونه تلاش برای بزرگ کردن و قلب ماهیت دادن این با آن اختلاف نظر درون حزبی که در درون احزاب امری طبیعی

رفیق فدای حزب... (Handwritten text in a notebook style, partially obscured by a watermark)

رفیق فدای حزب... (Handwritten text in a notebook style, partially obscured by a watermark)

دگرگونسازی - ادامه ...

مارکسیسم - لنینیسم، که دکماتیسیم با آن بیگانگی ساجت آمیز دارد، پیوند فعال تئوری نو را با عمل، در روند پیکار انقلابی، تضمین می کند.

رفیق گارباچف سپس درک عمیق لنین را از دیالکتیک تئوری و عمل "آفرینش جهان نو" خاطر نشان ساخت و این گفته رهبر انقلاب اکتبر را یادآور شد:

"تکمیل، دگرگونسازی و از نو آغاز کردن - این چیزی است که بیش از یکبار باید به آن تن دردهیم".

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، آنگاه به ارزیابی سال های ۲۰ و ۲۰ پرداخت، که بگفته او، "در تاریخ کشور شوروی جایی ویژه دارند". گارباچف این سالها را "سالهای کار پس توانرسا، در مرز توانایی انسانها، و مبارزه همه جانبه و دشوار" خواند و افزود: "صنعتی کردن اقتصاد، تعاونی کردن کشاورزی، انقلاب فرهنگی، تحکیم کشورچند ملیتی، تقویت موقعیت بین المللی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایجاد اشکال جدید رهبری اقتصاد و زندگی اجتماعی - همه این وظایف به عهده این دوران واگذار شد و دارای پیامدهایی دوررس بود. در طول دهه های اخیر، ما بارها به این دوران بازگشته ایم. این چیزی است طبیعی، چون در آن هنگام بود که آفرینش نخستین جامعه سوسیالیستی آغاز شد. این قهرمانی ای بود با بعد و اهمیت تاریخی. تحسین قهرمانی های پدران و پدر بزرگان ما و گرامی داشت دستاوردهای راستین ما به همان اندازه جاودانی خواهد بود، که خود این قهرمانی ها و دستاوردها. اگر ما امروز، از جمله، به دید انتقادی به تاریخ خود می نگریم، تنها بخاطر آن است، که تصور بهتر و فراگیرتری از راه خویش بسوی آینده داشته باشیم".

سخنران به تفصیل درباره دشواری های عینی و ذهنی صنعتی کردن کشور و ایجاد تعاونی ها در کشاورزی صحبت کرد و گفت:

"اگر واقع بینانه به تاریخ بنگریم و مجموعه واقعیت های داخلی و بین المللی را در نظر بگیریم، طبعاً این سوال مطرح خواهد شد: آیا در شرایط آروز، بجز شیوه ای که حزب پیشنهاد کرد، شیوه دیگری را می شد برگزید؟ اگر بخواهیم از نقطه نظر تاریخ و واقعیت زندگی به این پرسش پاسخ دهیم، بیش از یک پاسخ ممکن نیست: نه!". میخائیل گارباچف آنگاه به ریشه های پیدایش سیستم "اداره بازی و تحکم" در اقتصاد و دیگر عرصه های زندگی اجتماعی پرداخت و گفت:

"تأثیر این عامل بر تحول اجتماعی - سیاسی کشور بسیار ویرانگر و پیامدهای آن بسیار سنگین بود. کاملاً آشکار است، که نبود سطح کافی موازین دمکراسی در جامعه شوروی هم کیش شخصیت و هم نقض قانون، خودکامگی ها و سرکوبگری های سال های ۲۰ را امکان پذیر ساخت. روشن بگوئیم، منظور جنایاتی است، که از سوءاستفاده از قدرت سرچشمه گرفت. هزاران تن از اعضای حزب و افراد غیر حزبی قربانی سرکوبگری های جمعی شدند. رفقا، این واقعیتی است تلخ. از این راه به حیثیت سوسیالیسم و حزب لطبات جدی وارد آمد. ما باید در اینباره به صراحت سخن بگوئیم. این امر از آن جهت ضرورت دارد، که آرمان لنینی سوسیالیسم برای همیشه و بگونه ای بازگشت ناپذیر تحقق یابد".

استالین و کیش شخصیت او

رفیق گارباچف درباره استالین و کیش شخصیت او گفت:

"درباره نقش استالین در تاریخ ما بحث های زیادی هست. شخصیت او بی اندازه متضاد است. ما باید حقیقت تاریخی را در نظر بگیریم، هم خدمات انکار ناپذیر استالین را در پیکار در راه سوسیالیسم و پاسداری از دستاوردهای آن ببینیم و هم اشتباهات سهمگین و خودکامگی هایی را، که او و نزدیکانش مجاز شمردند. این اشتباهات و خودکامگی ها برای مردم ما بسیار گران تمام شد و برای جامعه ما عواقبی سنگین در پی داشت. گاهی ادعا می شود که استالین از اینگونه بی قانونی ها آگاه نبود. مدارکی که ما در دست داریم، چنین ادعایی را رد می کنند. تهنیه استالین و نزدیکان او در قبال حزب و مردم ما در زمینه سرکوبگری ها و بی قانونی هایی، که اینان مجاز شمردند، بس سهمگین و نابخشودنی است. این درسی است برای

همه نسل ها. علیرغم ادعای مخالفان ایدئولوژیک ما، کیش شخصیت ناگزیر نبود. این پدیده ایست، که با سرشت سوسیالیسم مغایرت دارد. انحرافی از اصول بنیادی بشمار می رود و از این رو بکلی توجیه ناپذیر است. حزب درکنگره های ۲۰ و ۲۲ خود هم کیش شخصیت استالین را محکوم کرد و هم پی آمدهای آنرا. اکنون می دانیم، که اتهامات علیه شماری از شخصیت های حزب و حکومت، بسیاری از کمونیستها و غیرحزبی ها، کادرهای اقتصادی و ارتشی، دانشمندان و فرهنگیان و سرکوب آنها محصول جعلیات عامدانه بود. بسیاری از این اتهامات - بویژه پس از کنگره بیستم - پس گرفته شد و از هزاران قربانی اعاده حیثیت شد. اما روند استمرار عدالت به انجام نرسید و در واقع در اواسط سالهای ۶۰ متوقف گشت. اکنون، طبق مصوبات پلنوم اکتبر (۱۹۸۷) کمیته مرکزی به این روند بازگشت. هیئت سیاسی کمیته مرکزی کمیسیونی را برای بررسی همه جانبه واقعیات و اسناد نو و قدیم تعیین کرده است، که بر پایه یافته های آن تصمیمات مقتضی اتخاذ خواهد شد. این مقصود در تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز بازتاب خواهد یافت، که تدوین آن را کمیته مرکزی به عهده کمیسیونی ویژه سپرده است. این کار باید انجام شود، بویژه برای آنکه امروزه نیز کوشش هایی بکار می رود، تا از پرداختن به مسائل دشوار تاریخ طعنه رویم و چنین وانمود کنیم، که گویا اتفاق خاصی نیافتاده است".

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در ارزیابی سال های ۲۰ و ۲۰ گفت:

"راهی دشوار، پرتضاد و پیچیده، ولی بزرگ و قهرمانانه را پیمودیم. نه سهمگین ترین اشتباهات و نه انحرافات از اصول سوسیالیسم نتوانستند مردم ما و کشور ما را از راهی که در سال ۱۹۱۷ برگزیدند، منحرف سازند".

رفیق گارباچف ضمن اشاره به جنگ جهانی دوم یادآور شد، که در آن سالها میهن پرستی مردم شوروی توان خویش را بگونه ای درخشان نشان داد و محتوایی نو، محتوایی سوسیالیستی، یافت.

میخائیل گارباچف دروغهای تبلیغاتی چپان غربی را فاش ساخت، که گویا اتحاد شوروی با قرارداد عدم تجاوز ریبین تروپ - مولوتف راه را برای جنگ هموار ساخت. او خاطر نشان ساخت:

"اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی همه کوشش خود را بکار برد، تا یک سیستم امنیت جمعی پدید آورد و از این راه از بروز جنگ جلوگیری کند. اما ابتکارات اتحاد شوروی در سیاستمداران و سیاست پیشگان هرزه گوی غرب، که بی پروا دسیسه کشاندن هرچه سریعتر سوسیالیسم به جنگ و رویاروی ساختن مستقیم آن با فاشیسم را طرح ریخته بودند، هیچگونه پژواکی نداشت".

وی ادامه داد:

"با ایمان کامل می توان گفت: سالهای جنگ کبیر میهنی یکی از پرافتخارترین و باشکوه ترین برکهای تاریخ زندگی حزب ماست، که میلیونها کمونیست با شهامت، شجاعت و جانبازی خود آن را نوشتند. جنگ نشان داد که مردم شوروی، حزب، سوسیالیسم و اکتبر از یکدیگر جدایی ناپذیرند و هیچ نیرویی در جهان نمی تواند آنها را از یکدیگر بگسلد".

سخنران سپس به ارزیابی سالهای پس از جنگ پرداخت و گفت:

"در قهرمانی کار روزمره سالهای دشوار جنگ است" که باید سرچشمه دستاوردها، پیشرفت اقتصادی و علمی - فنی، دستیابی به انرژی اتمی، پرتاب نخستین سفینه های کیهانی و رشد به روزی مادی و فرهنگی مردم را جستجو کنیم. اما در همین دوران - دوران کار شگرف مردم در راه سوسیالیسم - تضاد میان سطح رشد جامعه و شیوه های قدیمی رهبری نیز هرچه بیشتر نمایان شد. سوءاستفاده از قدرت و نقض قانونیت سوسیالیستی ادامه یافت... در اواسط سالهای پنجاه، بویژه پس از کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی، وزش نسیم دگرگونی بر فراز سرزمین ما آغاز شد. مردم توان نویافتند، جان گرفتند و از شهامت و اعتماد به نفس بیشتر برخوردار شدند. حزب و ن.س. خروشچف در راس رهبری آن با انتقاد از کیش شخصیت و خواست استمرار قانونیت سوسیالیستی شهامت کمی از خود نشان ندادند. قالب های قدیمی در سیاست داخلی و خارجی ترک برداشتند. کوشش بکار رفت تا شیوه های فرماندهی بوروکراتیک، که در سالهای ۲۰ و ۴۰ متداول گردیده بود، از گستره مدیریت رخت برینند.



رفرم اقتصادی عمیتی که در کشور آغاز شده است، آنست که در دو تا سه سال آینده گذار از سیستم بیش از حد متمرکز و برپایه فرماندهی استوارکنونی مدیریت به سیستمی دمکراتیک تحت پیگیری - سیستمی که پیش از همه بر شیوه‌های اقتصادی و پیوند هرچه بیشتر سانترالیسم و خودگردانی مبتنی باشد.

بسوی جهان نو - جهان کمونیسم

رفیق کارباچف پس از تحلیل همه جانبه جهان امروز در پرتو چراغ راهنمای اکتبر، سخنرانی خود را چنین پایان داد:

"تا آغاز سده بیست و یکم چیزی بیش از ۱۲ سال باقی نمانده است. در سال ۲۰۱۷ مردم کشورها و بشریت مترقی در سراسر جهان صدمین سالگرد اکتبر بزرگ را جشن خواهند گرفت.

جهانی که صدمین سالگرد انقلاب ما را گرامی خواهد داشت، چگونه خواهد بود؟ سوسیالیسم چگونه خواهد بود؟ جامعه جهانی کشورها و خلق‌ها از چه درجه بلوغی برخوردار خواهند بود؟ قصد ما پیشگویی نیست، ولی باید در نظر داشته باشیم، که درست امروز است که پایه فردا ریخته می‌شود و وظیفه ما آنست که تمدن بی‌نظیر خود، آری، هستی روی کره زمین را حفظ کنیم، خرد را بر دیوانگی هسته‌ای پیروز سازیم و همه شرایط را برای رشد آزاد و همه جانبه انسان و انسانیت فراهم آوریم.

ما امکان پیشرفتی نامحدود را می‌بینیم. ما میدانیم که تامین این پیشرفت آسان نیست. این واقعیت نه تنها ما را به هراس نمی‌افکند، بلکه حتی الهام نیز می‌بخشد، زیرا که زندگی را از هدفی انسانی و والا و محتوایی عمیق برخوردار می‌سازد.

در اکتبر ۱۹۱۷ جهان کهن را بگونه‌ای برگشت ناپذیر پشت سر گذاشتیم. اکنون بسوی جهانی نو گام برمیداریم - جهان کمونیسم. و از این راه هیچ گاه منحرف نخواهیم شد."

سوسیالیسم پویایی بیشتری یابد، آرمانها و ارزشهای انساندوستانه تجلی بیشتری پیدا کند و روح خلاق مارکسیسم - لنینیسم بار دیگر زنده شود".

میخائیل گارباچف خاطرنشان ساخت که در پلنوم اکتبر ۱۹۸۴ رهبری حزب و کشور تغییر یافت و تصمیماتی گرفته شد، که هدف آنها غلبه بر گرایش‌های ذهنی در سیاست داخلی و خارجی بود. اقداماتی چند در عرصه سیاست خارجی، به بالا بردن حیثیت بین‌المللی اتحاد شوروی کمک کرد و برابری نظامی - استراتژیک با ایالات متحده امریکا بدست آمد. وی افزود:

"کشور ما اکنون امکانات فراوانی در اختیار داشت، تا رشد خود را شتاب بخشد. اما برای استفاده از این امکانات و اثربخش کردن آنها، هم دگرگونی‌های بنیادی در جامعه و هم اراده سیاسی قاطعانه ضرور بود. اما هیچ یک از این دو عامل پدید نیامد. حتی خیلی از تصمیمات روی کاغذ و در هوا ماند. آهنگ رشد ما بگونه‌ای جدی کاهش یافت. در پلنوم آوریل (۱۹۸۵) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب بصراحت از علل پیدایش وضع موجود نام برد. مکانیسمی را که به توقف رشد ما انجامیده بود بروشنی ترسیم کرد و بر نقش تعیین کننده آن تاکید ورزید. پلنوم تصریح کرد که در سالهای آخوندگی و فعالیت ل.ا.ی. برژنف یافشاری بر فرمولبندی‌ها و قالبهای کهنه، که به هیچ روی بازتاب دهنده واقعیات نبودند، رهیایی بسوی آینده را مانع شد. شکاف میان گفتار و کردار ژرفش یافت... نیروهای سالم درون حزب و جامعه هرچه بیشتر این ضرورت را احساس می‌کردند، که باید بر پدیده‌های منفي چیره شد، روند رویدادها را تغییر داد، رشد اجتماعی - اقتصادی را شتاب بخشید و به پاکیزگی اخلاقی و نوسازی سوسیالیسم دست یافت. پلنوم آوریل (۱۹۸۵) کمیته مرکزی با طرح استراتژی شتابان کردن رشد اجتماعی - اقتصادی کشور و کنگره بیست و هفتم با مصوبات خود در جهت نوسازی سوسیالیسم به این نیاز میرم پاسخ گفتند. پلنوم‌های بعدی این تصمیمات را از نظر سیاسی - تئوریک توسعه دادند و بدین سان، دگرگونسازی انقلابی همه گستره‌های جامعه سوسیالیستی به مشی عمومی ما تبدیل شد."

رفیق کارباچف درباره دگرگونسازی به تفصیل سخن گفت و از جمله خاطرنشان ساخت:

"دگرگونسازی تنها رهایی از رکود و محافظه کاری دوران گذشته و تصحیح اشتباهات پیشین نیست، بلکه غلبه بر شیوه‌های از نظر تاریخی محدود و منسوخ سازماندهی و کار است. از این راه سوسیالیسم به مدرن‌ترین شکل‌ها دست می‌یابد. شکل‌هایی که پاسخگوی انقلاب علمی - فنی و رشد معنوی جامعه شوروی باشد. این روندی است نسبتاً دیرپا، که به نوسازی انقلابی جامعه می‌انجامد و دارای منطق و مراحل ویژه خویش است... هدف از دگرگونسازی احیای کامل نظری و عملی این نظریه لنین است، که زحمتکشان و منافع آنها و ارزشهای انساندوستانه در همه گستره‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باید از اولویت بدون چون و چرا برخوردار باشند. امیدواری ما به پاکیزه سازی و نوسازی انقلابی بر این پایه استوار است، که با فعال شدن شخصیت و عامل انسان منابع اجتماعی عظیم سوسیالیسم قدرت خویش را بثبوت خواهند رساند. سوسیالیسم از راه دگرگونسازی، می‌تواند و باید امکانات خویش را، بعنوان نظامی برآستی بشردوستانه و در خدمت بشر، پدیدار سازد."

سخنران از "دو مسئله کلیدی رشد جامعه" نام برد که "برای دگرگونسازی سرنوشت ساز خواهند بود: دمکراتیک کردن سراسر زندگی اجتماعی و رفرم ریشه‌ای اقتصاد. دگرگونسازی، با ادامه راه اکتبر، گسترش بازهم بیشتر دمکراسی سوسیالیستی را به وظیفه درجه اول خویش ارتقاء داده است. دمکراتیک کردن جامعه همانند قلب تپنده دگرگونسازی است و نه تنها موقفیت دگرگونسازی، بلکه - بدون هرگونه کزافه گویی - حتی آینده خود سوسیالیسم بستگی به چگونگی تحقق آن دارد."

بگفته رفیق کارباچف:

"تنها با تغییرات ژرف در اقتصاد می‌توان شالوده‌ای استوار را برای پیشروی سریعتر در همه زمینه‌ها پدید آورد. خود دگرگونسازی تنها هنگامی تحقق می‌یابد، که به شکوفایی اقتصاد بیانجامد. و این خود وابسته است به تغییرات ریشه‌ای در مکانیسم اقتصادی و سراسر نظام مدیریت اقتصاد. هدف



گردهمائی بزرگ احزاب و...

دهیم، تا پیشروی بسوی آزادی را تأمین کنیم و در راه آزادی پرزمیم تا صلح را نجات دهیم. با در نظر گرفتن این دو جنبه، بنظر ما مهمتر از همه آن است که این هنر را بیاموزیم، که وسعت و عمق مبارزه، واقع بینی و پیگیری را با یکدیگر تلهیق کنیم.

ماریلانوس فلوراکیس (دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان):
- هماهنگی کوشش های احزاب کمونیستی و کارگری کمک می کند که امکان برقراری آسانتر مناسبات صمیمانه را با دیگر نیروهای چپ، مترقی و صلح دوست فراهم سازیم، توسعه دهیم و غنی تر کنیم و از این راه همبستگی بین المللی را در دوران معاصر به ابعاد نو و بزرگتری برسانیم.

- سوسیالیسم هیچگاه چنین پاسخگوی نیازمندیهای زمان نبوده است، که در دوران ما.

رام راتان رام (دبیرکل کنگره ملی هند):

سده بیستم شاهد دو رویداد مهم بوده است، که تأثیر ژرف و پایدار آنها همه جا دیده می شود. رویداد نخستین انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بود، که در سراسر جهان اندیشه های سوسیالیسم، عدالت و برابری را اشاعه داد. با گذشت زمان، هرچه بهتر به اهمیت آن پی می بریم. رویداد دوم استقلال هند در سال ۱۹۴۷ بود، که موج استعمار زدایی را در آسیا، افریقا و دیگر منطقه های جهان برانگیخت. این دو رویداد هم پیوند هستند. انقلاب اکتبر و پیروزیهای بزرگ آن در دورانی نسبتاً کوتاه الهام بخش خلق ما در هند و دیگر خلق ها بوده است.

عبدالله الاحمر (معاون دبیرکل حزب بعث سوریه):

- اتحاد شوروی پشتیبان مبارزه ملت عرب در راه آزادی، پیشرفت و وحدت است.

تئودور ژوبکوف (دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان):

یکی از خدمات تاریخی کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی این بوده است، که پیش از همه به ماهیت مناسبات جدید بین المللی واقف شدند و نخستین مبتکران و مجریان نواندیشی سیاسی بودند.
ژرژ مارش (دبیرکل حزب کمونیست فرانسه):

- در دوران ما سوسیالیسم توانایی خود را برای پاسخگویی به مسائل جامعه ما نشان می دهد. روند دگرگون سازی و تسریع، که اینک در اتحاد شوروی در جریان است، این ادعا را به ثبوت می رساند.

شعیق خورخه هاندال (عضو کمیته اجرایی "فاریوندو مارتی" - السالوادور):

- روشن است که ما انقلابیون باید خواستار تنش زدایی و مذاکره باشیم. اما این واقعیت تنها بر پایه این اصل مبتنی است، که تنها پیکار قاطعانه خلق ها در راه آزادی می تواند به شکست استراتژی مویذیانه امپریالیسم بیانجامد و آن را وادارد تا به قراردادهای عادلانه تن دردهد و مناسبات بین المللی خویش را بر واقعیات نواستوار سازد.

یانوش کادار (دبیرکل حزب سوسیالیست کارگری مجارستان):

- ما کمونیستها آماده ایم، تا به اقتضای اصول خود، همه توان خویش را در پیکار برای آینده ای صلح آمیز و بسود همگان بکار بندیم. ما اعتقاد داریم که همکاری برای تحکیم صلح و امنیت نمی تواند بدون شرکت جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری تحقق پذیرد.

دانیل اورتگا (هماهنگساز کمیسیون اجرایی رهبری ملی جبهه ساندینیستی آزادی ملی نیکاراگوئه):

- از روند نوسازی، که در اتحاد شوروی در جریان است، باید همه جانبه پشتیبانی کرد. (نوسازی) باید امر مشترک همه ما شود، زیرا که این روند بخشی از کوشش های همگانی ما در پیکار برای صلح است.

وویتسخ یاروزلسکی (دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان):

- در میان نیروهای چپ نباید دشمنان خود را جستجو کنیم. هر یک از احزاب کمونیستی و کارگری، سوسیالیست، سوسیال - دمکرات و هر یک از جنبش های دمکراتیک و ملی در گنجینه اندیشه سیاسی مترقی سده بیستم سهم خویش را دارد.

- هر حزبی دارای زندگینامه ایست، که در آن هم موفقیت هست و هم

شکست، هم پیروزی و هم اشتباه. انسان نمی تواند زندگینامه خود را از خویش پنهان نگاه دارد. حقیقت تاریخی برای کمونیستها عامل بنیادی است، که احترام و اعتماد می آفریند.

ولودیا تایتل بوم (عضو کمیسیون سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی):

- انسان نمی تواند برای ابد گروگان و قربانی انتقام نیروهای تیره اندیش جنگ، ارتجاع، فاشیسم، بیدادو گرسنگی باشد. انسان باید آزاد باشد، از جمله از ترور و بمبارانهای شبانه. من اینرا بعنوان یک امریکای لاتینی و یک شیلیائی می گویم - کشوری که در آن بهنگام شب انسانها ناپدید و یا کشتار می شوند و از جنازه آنها نیز اثری باقی نمی ماند.
نامبودیری پاد (دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست هند((م)):

- میلیونها تن در سراسر جهان برای پیکار سترگ اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ارزش والا قائلند و بدان خوش آمد می گویند. جنبش گسترده صلح نمونه زنده این واقعیت است. پیکار در راه صلح و مناسبات بین المللی، که بر پایه اصول برابری و آزادی استوار باشد، اکنون به پیکار در راه بتغای بشریت و علیه خطر جنگ هسته ای میدل شده است. در دوران ما انترناسیونالیسم پرولتری بحق با حق زندگی انسانها مترادف است.

گوستاو هوساک (دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی):

دوران ما چشم انداز نویی را برای پیکار احزاب کمونیستی و کارگری و جنبش های انقلابی - دمکراتیک، ملی - دمکراتیک، سوسیالیست و مترقی پدید می آورد. البته که درباره راههای رشد اجتماعی اختلاف نظر و برداشت هست. این اختلاف در شرایط فعالیت این احزاب و جنبش ها نیز به چشم می خورد. با اینهمه، فعال سازی توان عظیم صلح و پیشرفت ضرورت عاجل دارد. بدین منظور باید همکاری بسیار گسترده ای تحقق یابد، که بر پایه برابری حقوق و استقلال احزاب گوناگون مبتنی باشد و به نظر و مسئولیت هر حزب در برابر خلق کشور خویش احترام گذارد.

مارچلینودوش سانتوش (عضو هیئت سیاسی حزب فرلیومی موزامبیک):

- انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر همچنین سنگ بنای آزادی خلق های تحت استعمار و پیدایش کشورهای مستقی بود. امروز بشریت پس از هفتاد سال، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را به معنای عامل توانایی برای آزادی خلق ها در سراسر جهان می داند. این گردهمایی سترگ، که امروز در کاخ کرملین آغاز شده، بگونه ای منفع این ادعا را بثبوت می رساند، که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، باقتضای سرشت خود، نیروی عظیمی برای آزادی، صلح و پیشرفت بشمار می رود.

نیکلای چاوشسکو (دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست رومانی):

ما نباید درسهای تاریخ را از یاد ببریم. نباید فراموش کنیم که پیروزی هایمان در این یا آن گستره هنوز در خطر است. تنها هنگامی خواهیم توانست آینده ای امیدبخش را تأمین کنیم، که بتوانیم جهان کنونی را بگونه ای بنیادی دگرگون سازیم. رفقا، بدون شک درست است اگر بگوئیم، که امپریالیسم بخودی خود تغییر نمی یابد، بلکه باید آنرا مجبور ساخت، تا از سیاست کهنه خویش دست بردارد و در راه رقابت مسالمت آمیز میان سوسیالیسم و سرمایه داری گام نهد.

سام نجوما (رئیس "سواپو" - نامیبیا):

- انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر شرایط لازم را برای کمک مشخص سیاسی، دیپلماتیک و مادی به خلق های ستمدیده و تحت استعمار آفریقا، آسیا و امریکای لاتین در پیکارشان در راه رهایی از یوغ استعمار و امپریالیسم و همه اشکال سلطه بیگانگان و بهره کشی فراهم آورد.

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اکنون به خلق ها و کشورهایی که همین چندی پیش به آزادی دست یافتند، کمک اقتصادی می کند. از این راه هم استقلال و حاکمیت این کشورها تأمین خواهد شد و هم دوستی و همکاری میان خلق های سراسر جهان گسترش خواهد یافت.

گاش هال (دبیرکل حزب کمونیست ایالات متحده امریکا):

- پیکار طبقاتی موتور نیست، که بتوان آنرا به دلخواه خاموش و روشن کرد. واقعیت اینست که حتی آن محافظی از سرمایه انحصاری، که خطرنابودی هستی آنها را نگران ساخته است، حاضر نیستند که از تلاش سودافزایانه خود دست بردارند. این واقعیتی است، که باید مد نظر ما باشد.

آلوارو کونیال (دبیرکل حزب کمونیست پرتغال):

دگرگونسازی عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در اتحاد شوروی برپایه دستاوردهای هفتادسال حکومت شوراها مبتنی است و امکانات سوسیالیسم و نیروی محرکه انقلاب اکتبر را نشان می‌دهد.

گسترش روند دگرگونیهای اجتماعی به همه قاره‌ها و کشورها - با سطح اجتماعی و اقتصادی گوناگون و شرایط عینی و ذهنی متفاوت - تنوع اشکال مبارزه را ایجاد می‌کند. انقلاب قابل تقلید نیست. نیروهای سیاسی تنها هنگامی می‌توانند به تغییرات اجتماعی مهم دست یابند، که از یکسو به تحلیل تجربیات بین‌المللی بپردازند و از سوی دیگر مبتکرانه به جستجوی راه‌حلی دست یازند، که با واقعیت مغایرتی نداشته باشند.

اریش هونکر (دبیرکل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان):

از این خوشوقتم، که کمونیستها و سوسیال‌دمکراتها در مسئله جنگ یا صلح هرچه بیشتر هم‌آوا می‌شوند. از نظر سیاسی و ایدئولوژیک اختلاف‌ها و تضادها بجای خود باقی است، اما هر دو طرف به مسئولیت خود برای همکاری در راه صلح پی برده‌اند.

جیورجیو ناپولیتانو (عضو رهبری ملی حزب کمونیست ایتالیا):

تکرار می‌کنیم: ما در شرایط مختلف کار می‌کنیم و نظرات مختلف داریم.

اما برخورد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با مسئله دمکراسی، حقوق بشر و رفاه اقتصادی امکان گفتگوی پارواری را فراهم آورده است. هراندازه بیشتر در این راه کام برداریم، چشم انداز نزدیکی و همکاری همه نیروهای مترقی، چشم انداز تشنج‌زدایی، خلع سلاح و همکاری بین‌المللی شکل مشخص‌تری خواهد گرفت.

نجیب‌الله (دبیرکل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان):

ما آشتی ملی را برگ نوینی در سیاست لنینی صلح، کاربست خلاق آموزش لنین دربارہ مصالحه و متدولوژی تحلیل سیاسی - طبقاتی توازن نیروها در جامعه بشمار می‌آوریم. در فلسفه نواندیشی سیاسی، که در اسناد کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی توجیه شد، شیوه شهادت‌آمیز و جدیدی برای به انجام رساندن وظایف انقلاب ملی - دمکراتیک دیده می‌شود.

مئیر ویلنر (دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل):

دگرگونسازی، علنیت و دمکراتیزاسیون در اتحاد شوروی انظار مردم سراسر جهان را بخود جلب کرده است. حتی در اسرائیل تبلیغات ۲۴ ساعته ضدشوروی رو به کاهش است. جذابیت اتحاد شوروی و سوسیالیسم در جهان افزایش می‌یابد. این خدمت بزرگی است از جانب حزب کمونیست اتحاد شوروی به امر صلح و انقلاب.



ادعاهای...

سروش بشریت در حال رقم خوردن است. او کمت که قدرت ج.ا. در خلیج فارس در ردیف قدرت امریکا و حتی بیشتر از آن است. خامنه‌ای می‌خواست چنین التما کند که گویا بدلیل "قدرتند" بودن ج.ا. "ضدامپریالیست" هر حادثه‌ای در خلیج فارس اتفاق می‌افتد همه می‌خواهند بدانند عکس‌العمل ج.ا. چگونه است. حال آنکه در واقع ایالات متحده امریکا و متحدانش روی اعمال مداخله‌گرانه و ماجراجویانه رژیم حساب می‌کنند و چه بسا می‌کوشند تا از آنها در جهت ادامه و گسترش تجاوز استفاده کنند. با اینحال بقول معروف دروغ که مالیات ندارد و سردمداران رژیم برای فریب افکار عمومی و سرپوش گذاشتن بر مهلکه‌هایی که خود آفریده‌اند بخود اجازه می‌دهند که ادعاهای بی‌بشترانه کنند. اما همانطور که اشاره شد، اینها فقط گزافه‌گوئی است و آنجا که پای عمل به میان می‌آید، واقعیت‌های عینی خلاف ادعاهایی از این دست که برشمرده شد را اثبات می‌کنند. دارودسته ریگان با اتکاء به سیاست ماجراجویانه جمهوری اسلامی، به بهانه دفاع از امنیت کشتیرانی در خلیج فارس و پشتیبانی از هم‌پیمانان خود در منطقه، توانست سیاست تجاوزگرانه خود را پیاده کند. بی‌دلیل نبود که چندی پیش (۲۶ سپتامبر ۸۷) برژینسکی، مشاور امنیت ملی ایالات متحده در زمان حکومت کارتر، خطاب به نمایندگان کنگره امریکا گفت: "فکر می‌کنم ایرانی‌ها واقعا فرصت خوبی در اختیار ما گذاشتند. آنها اعتبار ما را در منطقه بهبود بخشیدند". اظهار امتنان تلویحی برژینسکی از رژیم ج.ا. دلیل بسیار محکمی بر محکومیت رژیم

نامه رفیق نامور...

من از همان سالهای آغازین تشکیل این حزب به خاطر دید ایدئولوژی و جهان بینی درست و انسانی و مترقی آن با احساس غرور و افتخار عضویت آن را پذیرفته و به عنوان یک عضووفادار این حزب که پرچمدار بی‌تزلزل انترناسیونالیسم پرولتری بوده است فعالیت کرده‌ام، آنچه برایم مطرح بوده است مفاهیم والای آن ایدئولوژی بوده که آن را در سازمان حزب توده ایران مقبول یافته‌ام.

در سراسر این مدت هیچ منش و روش ناروایی نتوانسته است بین من و حزم فاصله ایجاد کند. تکرار کنم که برای من همیشه آن اندیشه انسانی و والایی که در جهت تعالی بشریت تاثیر می‌گذارد مطرح بوده است و آن را در کلیت در حزب توده ایران با جهان بینی مارکسیستی آن یافته‌ام. برای شارفیک ارجمند، که در پیشبرد اهداف حزب، به سمت دبیر اول آن، سهم ارزنده‌ای علی‌رغم همه دشواریها ایفا کرده اید آرزوی موفقیت هرچه بیشتر در این راه دارم. با درود فراوان حزبی ر. نامور

بسته‌اند همان مزدوران ضدانقلابی افغانستان است که با پشتیبانی مادی "سیا" و اسلحه امریکائی به خرابکاری و آدمکشی در افغانستان می‌پردازند. یا اینکه منظور همان خرابکارانی است که زیر پوشش نام "حزب‌الله" در لبنان به هر جنایتی دست می‌زنند و با نیروهای ضدامپریالیست واقعی، بویژه کمونیست‌ها، آشکارا به دشمنی می‌پردازند. در این صورت "حق" با ایشان است. از قدیم گفته‌اند: مشک آن است که خود بپوید، نه آن که عطار بگوید.

اجرای قطعنامه شماره ۵۹۸ خواست مردم ماست

کنگره هشتم حزب کمونیست چین

روز یکشنبه سوم آبان (۲۵ اکتبر) هشتمین کنگره حزب کمونیست چین آغاز به کار کرد. حدود ۲۰۰۰ فرستاده از سراسر کشور نمایندگی ۴۶ میلیون عضو حزب را بعهدہ داشتند. ژائو زیانگ کفیل دبیر کل کمیته مرکزی، گزارش رهبری حزب را در برابر کنگره خواند. در این گزارش ضمن بررسی دستاوردهای بزرگ نه سال گذشته - از پلنوم سوم یازدهمین کمیته مرکزی در سال ۱۹۷۸ و کنگره هفتم تاکنون - که طی این مدت اصلاحات اقتصادی "در راستای سوسیالیسم نوع چینی" آغاز شد، مسائلی میبری که اینک در برابر کشور قرار گرفته است و خطوط کلی راهی که برای غلبه بر عقب ماندگیها باید پیموده شود مورد بررسی قرار گرفت. در این زمینه گفته شد که "در کنار صنعت مدرن، بخش بزرگی از صنایع وجود دارد که در مقایسه با سطح امروزی دههها بلکه صدها سال عقب مانده است."

یکی از بخشهای گزارش ژائو زیانگ اختصاص به استراتژی رشد و توسعه اقتصادی دارد. به گفته او برای اینکه درآمد ناخالص ملی تا پایان قرن دو برابر شود باید دگرگونسازی بنیادین مجموعه اقتصاد و نظام مدیریت آن ادامه یابد و حزب حداکثر توجه را به مسائلی مربوط به بالا بردن کارایی اقتصاد چین، شتابان کردن پیشرفت علمی- فنی، ارتقا سطح آموزش ارتش عظیم زحمتکشان و توسعه بعدی ارتباطات با جهان خارج معطوف دارد.

در گزارش آمده است: "چین در مراحل اولیه سوسیالیسم قرار دارد. از اینجا دو چیز نتیجه می شود: اول اینکه جامعه ما دیگر سوسیالیستی است و ما باید به سوسیالیسم پایبند باشیم و از آن منحرف نشویم. دوم اینکه جامعه سوسیالیستی چین در مرحله آغازین قرار دارد. ما باید بنای کار را برواق بینی بگذاریم و نکوشیم از این مرحله بجهیم. تحت شرایط مشخص تاریخی امروزی چین، نباید تصور کنیم که خلق چین می تواند راه سوسیالیسم را، بدون اینکه مرحله رشد و گسترش کامل ویژه سرمایه داری را از سر گذارنده باشد هموار کند. این یک تئوری مکانیکی در مورد توسعه و تکامل انقلابی و علت مهم اشتباهات واقعی است."

هشتمین کنگره حزب کمونیست چین پس از یک هفته بحث و مذاکره در گروههای کار، روز یکشنبه دهم آبان با انتخاب ۱۷۵ عضو کمیته مرکزی و ۱۱ نامزد (عضو مشاور) کمیته مرکزی، ۲۰۰ عضو کمیسیون مرکزی مشورتی و ۶۹ عضو کمیسیون انضباط و بازرسی به کار خود پایان داد. بسیاری از اعضای کهنسال کمیته مرکزی سابق و از جمله تنگ سیاو پینگ بنا به خواست



شبهه جدید اخاذی

از او اواسط سال ۶۵، به "عاشق" هایانوازندگان محلی منطقه کتاب آذربایجان غربی اجازه داده شده که در مجالس عروسی و جشن موسیقی بنوازند، مشروط بر اینکه در ازای هر ساعت نوازندگی دو بیست تومان به حساب اداره ارشاد واریز کنند. این پول بایستی قبل از شروع جشن واریز شود. در جریان جشن اغلب ماموران مراجعه می کنند و چنانچه نوازندگان بخواهند بیش از ساعتی که معادل آن پول واریز کرده اند بنوازند، کارشان را متوقف می کنند.

نتایج مبارزه با گرانفروشی در قزوین

پس از اعلام مبارزه با گرانفروشی توسط دولت نرخ برخی از مایحتاج عمومی در قزوین بشدت افزایش یافت. برای نمونه به قیمت چند قلم اشاره می شود: تخم مرغ از دانه ای ۴۰ ریال به ۷۰ ریال؛ سیگار تیر از پاکتی ۴۰۰ ریال به ۷۰۰ ریال؛ سیگار زر از پاکتی ۲۰۰ ریال به ۳۰۰ ریال؛ سیگار شیراز از پاکتی ۲۵۰ ریال به ۳۵۰ تا ۴۰۰ ریال؛ مرغ از کیلوئی ۱۰۵۰ ریال به ۲۲۰۰ ریال؛ گوشت گاو از کیلوئی ۱۵۰۰ ریال به ۱۶۰۰ ریال؛ "مانتو اسلامی" از ۵۸۰۰ ریال به ۶۴۰۰ ریال؛ کارخانه "لامب ایران" نیز نرخ تولیدات خود را بالا برد. مثلا قیمت دولتی لامپ ۱۰۰ وات از ۶۲ ریال به ۹۴ ریال افزایش یافت. باید توجه داشت که این لامپ به نرخ دولتی پیدانمی شود و در "بازار آزاد" به قیمت ۲۵۰ تا ۳۰۰ ریال بفروش می رسد. قیمت دولتی لامپ مهتابی نیز از ۲۴۴ ریال به ۲۴۰ ریال افزایش یافته است. متناسب با این افزایش قیمت، قیمت مهتابی در "بازار آزاد" از ۹۰۰ ریال به ۱۸۰۰ ریال رسید.

تلفات سردشت بهش از ۶۰ نفر بود

در بمباران شهر سردشت، تعداد تلفات جانی بیش از ۶۰۰ نفر بود، در حالیکه از جانب رژیم حدود ۴۰ نفر اعلام شد. بعلت نبودن امکانات تعدادی از زخمی ها که وضعشان چندان وخیم هم نبود، از بین رفتند. مردم که می دیدند از رژیم کاری ساخته نیست توانستند گروهی از زخمی ها را با مینی بوس به شهرهای مجاور، مانند بانه و مه آباد، برسانند. در بمباران منطقه دیگری بهش سردشت و بانه تعداد زیادی سرباز و مردم عادی کشته شدند. یک شاهد عینی نقل می کند که رژیم از تحویل اجساد به خانواده ها خودداری کرد و آنها را در چاله های که با لودر و بولدوزر آماده شده بود دفن کردند.

خودشان در کمیته مرکزی جدید انتخاب نشدند. کمیته مرکزی منتخب کنگره هشتم روز دوشنبه ۱۱ آبان در اولین نشست خود دبیر کل و اعضای دفتر سیاسی حزب را برگزید. ژائو زیانگ بعنوان دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برگزیده شد.

درگیری بین سپاه و نیروی دریایی

تهران - بر سر تلاش سپاه برای تصرف زیر زمین مقر نیروی دریایی و عدم موافقت فرمانده و مسئولان این واحد، واقع در خیابان فلسطین، بین دو نهاد درگیری شد، در ۲۴ فروردین، سپاه ساختمان یاد شده را محاصره کرد. فرمانده مقر نیروی دریایی کلیه کارکنان زن اداره را مرخص کرد و بدستور او میان کارکنان مرد، اعم از نظامی و غیر نظامی، اسلحه سبک و فشنگ پخش شد. سپاه که اوضاع را وخیم دید مجبور شد که عقب بنشیند. درگیری میان دو نهاد همچنان ادامه دارد.

دعوت از سبهد ضرفامی

گفته می شود از سبهد ضرفامی که پس از انقلاب دستگیر شد و مدتی نیز در زندان بسر برد دعوت به همکاری شده است.

جایزه برای سربازگیری

در شهرهای کردستان برای مامورانی که مشولان را دستگیر کنند و تحویل بدهند، در مقابل هر یک نفر ۱۵۰۰ ریال جایزه تعیین شده است.

خس بجای مالیات

در جلسه ای که با حضور وزیر اقتصاد و درائی و نمایندگان صنوف در تهران تشکیل شد، توسط وزیر سخن از مالیاتهای معوقه بمیان آمد. نمایندگان صنوف گفتند: ما خس می دهیم. بنابراین پرداخت مالیات از عهده ما خارج است. هر چه وزیر درائی التماس کرد که آقایان، از نظر درآمدهای ارزی ما در وضع بسیار بدی هستیم، جنگ هزینه های زیادی دارد و ما روی مالیاتهای معوقه حساب می کنیم، بخرج مخاطبان نرفت که نرفت.

تجاوز به دختران در مرز ترکیه

در مرز زمینی ترکیه، عوامل رژیم چندین بار دختران جوانی را که قصد خروج از کشور دارند مورد تجاوز قرار داده اند. ماموران دختران تنهارا بانتهام داشتن ارتباط با گروههای سیاسی به اتاقی راهنمایی می کنند و می گویند منتظر باش تا از سپاه کسب تکلیف کنیم. سپس آنها را بزور مورد تجاوز قرار می دهند و برای اینکه رازشان فاش نشود روانه خارج از کشورشان می کنند. در شهر آنکارا چندین مورد دخترانی دیده شده اند که این واقیعت را افشا کرده اند.

کمکهای مالی رسیده:

کمکهای مالی رسیده از سوئد
نوید ۱۰۰۰ کرون
کمک به خانواده زندانیان سیاسی
به یاد رفیق شهید شاپور قناعتی ۲۰۰ کرون
کمک به خانواده زندانیان سیاسی در زادروز
یکی از رفقا ۶۰۰ کرون
کمک به حزب جمع آوری شده در جشن ۴۶ سالگی
حزب ۱۰۰۰ کرون
از طرف پ. پ. کوچولو برای حزب پدرش ۵۰۰ کرون

آدرس پستی:

NAMEH
MARDOM
NO: 180

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden